استقلالیت درمان فراشخیصی پکارچه بر تنظیم شناختی هیجان بیماران قلبی - عروقی

منبع: فیروزی، ۱، مهتاب بیرانوندی

۱- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناختی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲- کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناختی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پیامدهای دوگانه مناسبی بر اختلالات قلبی-عروقی. در تنظیم هیجان‌ها مشکل دارند و این امر در درمان آنها تداخل ایجاد می‌کند.

درمان فراشخیصی، درمان مبتنی بر تنظیم هیجان است. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه ارتباطی این درمان برای تنظیم هیجان بیماران قلبی-عروقی است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع کارآزمایی بالینی با پیش آزمون و بعد از آزمون بود. جامعه آماری شامل کلیه بیماران قلبی-عروقی شهر خم آباد لرستان بود. ۷۲ بیمار به طور تصادفی در دو گروه کنترل و گروه مداخله (درمان فراشخیصی پکارچه) قرار گرفتند. برای گروه‌های طراحی شده متغیر تنظیم شناختی هیجان، از بررسی‌های تنظیم شناختی هیجان گرافاسک و همکاران، استفاده شد.

برای تحلیل داده‌ها واریانس افزوده‌ها تکراری (Repeated Measure ANOVA)، استفاده گردید.

پیامدهای مناسبی بر اختلالات قلبی-عروقی. در نهایت، نتایج نشان داد که درمان فراشخیصی پکارچه بر تنظیم شناختی هیجان مؤثر بوده و میزان کیفیت زندگی بیماران را ارتقاء یافته است. درمان فراشخیصی بیشتر بر هر نوع مبتلا و بر افزایش میزان درمانهای مؤثرتر بود و بر سرشارش خود.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس پایه‌های پژوهش، درمان فراشخیصی پکارچه به طور اختصاصی بر ابادان تنظیم هیجان که تحت

کنترل فراشخیصی سطح بالا بودند، پیش از قرارگیری سطح پایین اثر داشت.

واژه‌های کلیدی: درمان فراشخیصی پکارچه، تنظیم شناختی هیجان، کیفیت زندگی، بیماران قلبی - عروقی.

آدرس مکاتبه: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناختی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی.

mfiroozy@ut.ac.ir

پست الکترونیک:

@ yafte.lums.ac.ir Printed on Saturday July 6th 2019
مقدمه

بیماری کرون فلزی که ناشی از گرفته‌گی عروق کرونر قلبی است، کیک از شایع‌ترین بیماری‌ها در کشور است و سالانه جان تعداد زیادی از بیماران را به مخاطره می‌اندازد. (1) بیماری قلبی در زمره سه‌جمله مزاحم شدید، از این سو در بخاطر کربن دی‌اکسید و سرطان و سیستم مغزی که کرده‌های توده‌ای درکار نشده و موجب بروز ابتلا به معمولی است. (2) شیوع بیماری‌های قلبی- عروقی با سرعت بالا در چین، پاکستان، خاورمیانه و ازمحمدی از جمله افزایش در حال افزایش است. (3) امروزه این بیماری در ایران به صورت یک مشكله‌گیر درآمده است، به طوری که مجدداً ناشی از این بیماری در مراکز بهداشت عمومی هزینه‌های بالا و افزایش در نشانه‌های شناساهاهای مزین بیماری‌های قلبی- عروقی را ارتقاء دهد.

ضروری است، سال‌های پیش به قنوع مهم تنظیم هیجان در پروژه، تشکید و سازگاری با استرس‌های مرتبط با بیماری‌های مزمن تاکید کرده است. (5) تنظیم هیجان در می‌توان به صورت فرآیندهای تعریف کرده که از طریق آن افراد می‌توانند از ابتلا به بیماری‌های قلبی- عروقی (نوع هیجان، زمان ابزار هیجان، شدت هیجان و نحوه ایمنی هیجان) مدیریت و تبادل کند. (6) تنظیم هیجانی می‌تواند اکائدهای با نام‌ها، زودگرایی دانستنی و رفتاری با شناسایی باشد. در این پژوهش تنظیم شناختی هیجان، مورد مطالعه قرار گرفته است. براون و همکاران، به راهبرد متافیط تنظیم شناختی را تحت عنوان سرنوشت خود (نقش با معرفی مقصر داستن و سرچشمه خود) بی‌پایان (نقش با معرفی بی‌پایان و شیب و نکبت) به تعیین کرده‌ها در مراحل تعریف و شبث به کمک فکر درباره حادثه‌ای واگذار، تمرکز مجدد بر برنامهری‌های (فکر کردن درباره مراحل فائق امکان بر وضعیت منفی یا تغییر آن) از زبانی مجدد سنتی (نقش درباره

جهت‌های مشابه واقعیت با ارتباط شخصی، اتخاذ دیدگاه
(تفکرات مربوط به کم اهمیت بودن واقعیت و تاکید بر
نسبت آن در مقایسه با سایر واقعیت‌ها، فاجعه‌امید پندازه
(تفکر مربوط به حفظ سقط‌های حادثه‌ای و سرزندی دیگران
(تفکر مربوط به حفظ سقط‌های حادثه‌ای و سرزندی دیگران به خاطر
انهای اتفاق‌افته است) را معرفی کرده‌اند. (8) در این
پژوهش نیز این این به منظور بررسی ارتباط شخصی درمان،
مطالعه گردید.

یکی از درمان‌های که در سال‌های اخیر در میان
تحولات جدید در حوزه درمان‌های شناختی- رفتاری در
مقابل درمان‌های اختلال‌های هیجانی
تخدیم شده، درمان‌های شناختی- رفتاری فرا شناختی با
رویکرد یکپارچه است. (9) نتایج‌های محققان درمانی در سال‌های اخیر
به ارائه مدل‌های یکپارچه انجام‌داده است. نتایجی را گزارش کرده و
آموزش آن‌ها را به شرایط مختلف داشته‌باشد. از طرفی
پیکرچهرگری می‌تواند به سبب افزایش عوامل مشترک درمانی
و کشف مکانیسم‌های درمانی منجر شود. بر اساس دیدگاه
فرآیندهای بدنی درمانی یکپارچه نگر، مؤلفه‌های
زیرسیستمی اسبی روانی، هدف درمان قرار گرفته می‌گردد و
پروتکل‌های درمانی ارائه شده یکپارچه برای اختلال‌ها
و مشکلات روانی که پیوندهای مشترکی دارند به کار می‌روند
(10). اگرچه پیکرچهرگری (UP) مبتینی بر اصول
سنتی شناختی- رفتاری است، اما ارتباط شخصی آن بر
شیوه‌ای است که مبناهای به اختلال‌های هیجانی، هیجان
یکسری دروی را شناسایی کند و به آن‌ها پاسخ دهد، این
سازگاری که فقط به تغییر رفتار اجتناب جهای هیجان
نیاز اجتماعی به استفاده در افزایش خاطرات
جدید نیز مصرف می‌شوند. (11) این پژوهش برای
نخستین بار، متأثر از درمان هیجانی و بهبود کیفیت
زندگی بیماران قلبی به کمک درمان فراشناختی به کار

گرفته است. براون و همکاران، به راهبرد متافیط تنظیم
شناختی را تحت عنوان سرنوشت خود (نقش با معرفی
مقصر داستن و سرچشمه خود) بی‌پایان (نقش با معرفی بی‌پایان و شیب و نکبت) به تعیین کرده‌ها در مراحل تعریف و شبث به کمک فکر درباره حادثه‌ای واگذار، تمرکز مجدد بر برنامهری‌های (فکر کردن درباره مراحل فائق امکان بر وضعیت منفی یا تغییر آن) از زبانی مجدد سنتی (نقش درباره

Downloaded from yafte.lums.ac.ir at 9:26 +0430 on Saturday July 6th 2019
Permission to make digital or hard copies of all or part of this work for personal or classroom use is granted without fee provided that copies are not made or distributed for profit or commercial advantage and that copies bear this notice and the full citation on the first page. Copyrights for components of this work owned by others than ACM must be honored. Abstracting with credit is permitted. To copy otherwise, or republish, to post on servers or to redistribute to lists, requires prior specific permission and/or a fee. Request permissions from Permissions Dept, ACM Inc., 250 Madison Ave, New York, NY 10016-1111 USA.

Permission to make digital or hard copies of all or part of this work for personal or classroom use is granted without fee provided that copies are not made or distributed for profit or commercial advantage and that copies bear this notice and the full citation on the first page. Copyrights for components of this work owned by others than ACM must be honored. Abstracting with credit is permitted. To copy otherwise, or republish, to post on servers or to redistribute to lists, requires prior specific permission and/or a fee. Request permissions from Permissions Dept, ACM Inc., 250 Madison Ave, New York, NY 10016-1111 USA.

Permission to make digital or hard copies of all or part of this work for personal or classroom use is granted without fee provided that copies are not made or distributed for profit or commercial advantage and that copies bear this notice and the full citation on the first page. Copyrights for components of this work owned by others than ACM must be honored. Abstracting with credit is permitted. To copy otherwise, or republish, to post on servers or to redistribute to lists, requires prior specific permission and/or a fee. Request permissions from Permissions Dept, ACM Inc., 250 Madison Ave, New York, NY 10016-1111 USA.
در جدول 1 میانگین و انحراف معیار گروه کنترل و مداخله

| میانگین | انحراف معیار | هزینه | گزارش کنترل | سی‌آزمون و دو پی‌گیری نشان داده شده است.
|----------|--------------|-------|---------------|-------------------|
| مساحت | مساحت | افزایش | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.
| مساحت | مساحت | کنترل | پرداخته است.

در مورد میانگین مقیاس تمرکز مثبت، نتایج نشان داد که برای افراد گروه کنترل، بین میانگین تغییرات در سه زمان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P=0.001). اما در گروه آزمایش (درمان فراتشخیصی یکپارچه)، این تغییرات در طول زمان معنی‌دار است (P=0.002). در جدول 2 نشان داده شده است که برای افراد گروه کنترل، بین میانگین تغییرات در سه زمان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (P=0.001). اما در گروه آزمایش (درمان فراتشخیصی یکپارچه)، این تغییرات در طول زمان معنی‌دار است (P=0.002).
بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از این است که درمان فراخیصی یکپارچه به تنظیم شناختی هیجان بیماران قلبی-عرقی می‌باشد.

جدول 2: مقایسه دو مداخله و کنترل در مورد متغیر تنظیم هیجانی

| آماره | کنترل | مداخله
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>گروه زمان</td>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>80%</td>
<td>30%</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
فرانشیسکی بر نشانه‌های افسردگی، اضطراب و تنظیم

هیجان دانشجویان دانشکده درمان فراتشخیصی در
کاهش نشانه‌های افسردگی، اضطراب و نیز عدیل

راهبردهای تنظیم هیجان اثرگذار است و با توجه به تأثیر

درمان فراتشخیصی در کاهش نشانه‌های افسردگی،

اضطراب و تنظیم هیجان در دانشجویان، این نتایج برای

مختصات بالینی و مشاوران دست اردرک در مراکز

مشاوره دانشگاهی لتویت‌های کاربردی دارد. رمز و کاسودا,

در مطالعه اثرگذاری درمان فراتشخیصی بر علائم اضطراب،

افسردگی، راهبردهای شناختی تنظیم هیجانی و عکار

عمومی زنای مبتلا به اضطراب و افسردگی همبود، نشان

دادن که درمان فراتشخیصی گروهی در کاهش علائم

اضطراب و افسردگی و به دلیل آن بهبود تنظیم هیجانی،

درمانی کارا کاست (17)。

یکی از درمان‌هایی که به صلاحیت بالایی در

تحولات جدید در جوهر درمان‌های شناختی- رفتاری در

قابل درمان‌های اختصاصی برابر اختلال‌های هیجانی

ندیمی شده، درمان شناختی- رفتاری فراتشخیصی با

رویکرد بیکاره است که به‌طور یکسان و همکاران (18)

مطرح گردیده است. رویکرد فراتشخیصی مؤلفه‌های

ژریبانی ای‌ستا و را و سبب هدف قرار می‌دهد و

می‌توان برای اختلال‌های مشکلاتی که زیر نمایی بکار و

مشابهی دارد کاربرد داشته باشد (19). این درمان که

برای افراد مبتلا به اختلال‌های هیجانی، خصوصاً افراد

مبتلا به اختلال‌های اضطرابی و خلق‌های طراحی شده، یک

درمان شناختی- رفتاری بیکاره است که به‌منظور هدف

قرار دادن و بی‌گیه‌های مربوط‌کردن اضطراب و

خلقتی می‌تواند مشابهی متقای، نشان و شاکی قدرتمند در

مقایسه با برترک بالایی درمانی موردی کمی‌سایر برای

تشخیص‌های بالینی خاص باشد (21)。

اسمیت (22)، چرا ذکری و عوْق اولین کسی بود که

دریافت بیماران قلبی اغلب از نوعی سندروم هیجانی-
تشرک و قدردانی

از تمامی عزیزانی که در اجرای این پژوهش مرا می‌نریزید، به خصوص بیماران
محترمی که صبوریتی و تشرک در انجام آزمایشات را به آنها در صورت
نموده و همچنین از مسئولین محترم بیمارستان تخصصی
قلب شهید مدنی خرم آباد به طور ویژه قدردانی می‌نمایم.
References


Abstract

Background: Patients with cardiovascular disease have difficulty in emotional regulation, and this disability can interfere with their treatment. Metacognition therapy (MCT) is a psychological intervention based on emotional management. The purpose of research is to study the effectiveness of MCT for dementia cognitive emotion regulation in patients with cardiovascular.

Materials and Methods: The present study was a clinical trial with pre-test, post-test and follow-up. The statistical population included all cardiovascular patients in Khorramabad. Sixty-six patients were randomly assigned into control and intervention (Metacognition therapy) groups. The cognitive-emotional regulation variable was used for data collection by a Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (Garnefski & Kraaij). Repeated Measure ANOVA was used for data analysis.

Results: The findings of the study indicated that Metacognitive therapy was effective in cognitive-emotional regulation (positive refocusing, positive reappraisal, refocus on planning) and not so effective in self-blame, focus on thought/rumination, and catastrophizing.

Conclusion: Based on the findings of the research, Metacognitive therapy effects on cognitive dementia relate to top-down versus bottom-up processing in the brain.

KeyWords: Metacognitive therapy, Cognitive emotional regulation, Top-down, Bottom-up processing, Cardiovascular disease.